



ديوانگي هوش آفرين!

سَـرى باشـد، ريشـه اش زدل
به خير و شر كسان، نه مايـل
چو خدمتِ حق، به خلق الله
كه اوست آفتاب، بهر ذره شامل
مسيح جان زجانان، هم پيامش
به تمكين شده، ره عرش حاصل
زدیوانگي دل و جوهر جانش
كه عاقلان ديد، حجت خویش باطل
به سیه و سپید، كاندر روز و شب
در زمان بی زمان، چو حالست زدل
غریب خود شد و بیرون بیرونی‌تر
كه هرچه درتو، بتو شود فاضل
نمی بینی كه برق دلست بگفتار
چو تو سنگ به سینه و آن جاهل
فقیری رمز عشق، درس بی زبانست
كه تحریرش نور و بدلهـا نازل



برای مطالب دیگر محمد آصف فقیري روی عکس کلیک کنید